کالبدشکافی اولتیماتوم هفت‌بندی واشنگتن

آمریکا و پروژه تسخیر ارکان سه‌گانه قدرت در عراق

بررسی دقیق داده‌های موجود نشان می‌دهد که این پیام به هیچ عنوان در قالب عرف دیپلماتیک نمی‌گنجد، بلکه ماهیت یک «اولتیماتوم» تمام‌عیار را دارد. سندی شامل هفت بند اساسی که مستقیماً قلب ساختار سیاسی، امنیتی و قضایی عراق را هدف قرار داده و نشان‌دهنده تغییر فاز واشنگتن از مداخله پنهان به باج‌خواهی آشکار است

عراق امروز در یک پیچ تاریخی حساس قرار دارد. نامه محرمانه واشنگتن نشان می‌دهد که ایالات متحده با تصور بازگشت به شرایط سال ۲۰۰۳، پروژه‌ای جامع برای استحاله از درون را کلید زده است.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ طی روزهای گذشته، سپهر سیاسی عراق شاهد افشای یک زلزله دیپلماتیک خاموش بود. افشای محتوای یک نامه و پیام محرمانه از سوی مقامات ارشد وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا به «نزار الخیرالله» (سفیر عراق در واشنگتن) جهت انتقال به دولت بغداد، به مهم‌ترین کانون توجه نخبگان و ناظران سیاسی تبدیل شده است. اگرچه پیش‌تر شبکه‌هایی نظیر «العربیه» بخش‌هایی از این پیام مداخله‌جویانه را به بیرون درز داده بودند، اما افشای رسمی و منسجم این متن توسط «احمد ملا طلال» (روزنامه‌نگار برجسته عراقی) و تأیید ضمنی آن توسط چهره‌های سیاسی نظیر «ماجد شنگالی»، در کنار سکوت معنادار و عدم تکذیب رسمی از سوی دولت بغداد، به این سند اعتباری انکارناپذیر بخشیده است.

بررسی دقیق داده‌های موجود نشان می‌دهد که این پیام به هیچ عنوان در قالب عرف دیپلماتیک نمی‌گنجد، بلکه ماهیت یک «اولتیماتوم» تمام‌عیار را دارد. سندی شامل هفت بند اساسی که مستقیماً قلب ساختار سیاسی، امنیتی و قضایی عراق را هدف قرار داده و نشان‌دهنده تغییر فاز واشنگتن از مداخله پنهان به باج‌خواهی آشکار است.

رمزگشایی از سند محرمانه: هفت فرمان برای استحاله حاکمیت

بر اساس اطلاعات افشاشده، این اولتیماتوم حاوی هفت خواسته الزام‌آور و ساختارشکنانه است که آمریکا تلاش می‌کند آنها را به عنوان پیش‌شرط تداوم حیات سیاسی دولت بغداد تحمیل کند:

۱. خلع سلاح مقاومت: انحلال و خلع سلاح کامل گروه‌های مسلح هم‌پیمان با جمهوری اسلامی ایران طی یک ضرب‌الاجل ۶ تا ۱۸ ماهه.

۲. پالایش گزینشی: اجرای فوری برنامه‌ای ضابطه‌مند برای مقابله با فساد مالی و پولشویی بدون هیچ‌گونه استثنا (ابزاری برای حذف مخالفان سیاسی).

۳. تسخیر نظام قضایی: اصلاح دستگاه قضایی عراق به گونه‌ای که به طور کامل از تأثیر گروه‌های سیاسی و مسلح اصیل مصون بماند.

۴. پروژه ایران‌زدایی: پایان دادن مطلق به حضور جمهوری اسلامی ایران در عراق از طریق اخراج کلیه مستشاران، نیروها و وابستگان ایرانی از سرزمین و نهادهای دولتی.

۵. استحاله حشد الشعبی: کاهش دامنه نفوذ و تعریف چارچوب‌مند نقش حشد الشعبی و تصویب قانونی قاطع برای تبدیل آن به یک نیروی صرفاً نظامی، انتقال آن به ذیل وزارت دفاع یا کشور و خروج کامل آن از دایره نظارت و فرماندهی نخست‌وزیر.

۶. دولت همسو: تشکیل دولتی متشکل از مسئولان به‌اصطلاح باکفایت که تنها در برابر ملت عراق (بخوانید همسو با منویات آمریکا) پاسخگو باشند.

۷. شراکت اجباری: ایجاد یک شراکت عمیق اقتصادی و امنیتی پایدار و انحصاری با ایالات متحده.

پارادایم تسخیر ارکان سه‌گانه: توهم بازگشت به شرایط ۲۰۰۳

برای درک عمق فاجعه‌بار این نامه، باید به یک تحلیل کلان و تاریخی از استراتژی ایالات متحده در عراق پرداخت. آمریکا در سال ۲۰۰۳ با اشغال نظامی عراق، وارد دوره نظام‌سازی جدید شد. در آن مقطع، استراتژیست‌های کاخ سفید با یک خطای محاسباتی بزرگ روبه‌رو بودند؛ آنها تصور می‌کردند که استقرار یک سیستم به ظاهر دموکراتیک، به خودی خود مقدمه‌ای برای هضم شدن عراق در بلوک غرب خواهد بود. اما خروجی صندوق‌های رأی و ظهور جریان‌های مقاومت، این توهم را باطل کرد.

امروز، واشنگتن با درس گرفتن از آن شکست، تغییر استراتژی داده و به جای تکیه بر فرم دموکراسی، به دنبال تسلط مطلق بر «سه رکن بنیادین قدرت» است:

رکن اول: نظام پولی و مالی

رکن دوم: نظام قضایی

رکن سوم: نظام امنیتی و نظامی

واشنگتن به خوبی می‌داند که اگر این سه حوزه را در اختیار بگیرد، عملاً کل حوزه سیاسی عراق را به صورت خودکار کنترل خواهد کرد.

نگاهی به روند تحولات نشان می‌دهد که پروژه تسخیر نظام پولی و مالی از مدت‌ها پیش آغاز شده است. پایه‌های این تسلط با قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت (مربوط به صندوق توسعه عراق) گذاشته شد و در دوره محمد شیاع السودانی از فوریه ۲۰۲۳ با اعمال محدودیت‌های شدید بانکی و کنترل سوئیفت، تشدید و با سرعت بیشتری پیش رفت. به همین دلیل است که در اولتیماتوم هفت‌بندی اخیر، تمرکز اصلی روی رکن مالی نیست، زیرا آمریکا این روند را در مسیر دلخواه خود می‌بیند.

اما آنچه در این نامه برجسته است، ورود تهاجمی واشنگتن به دو حوزه «قضایی» و «نظامی» است. برای نخستین بار، آمریکا مستقیماً بند سوم نامه را به خط و نشان کشیدن برای دستگاه قضایی عراق اختصاص داده است تا آخرین سنگرهای استقلال حقوقی این کشور را در هم بشکند. هم‌زمان، با دخالت‌های بی‌سابقه، عالی‌ترین منصب حکومتی را به سخره گرفته و با حفظ خط وتوی پررنگ علیه بازگشت اشخاص مقتدری نظیر «نوری المالکی»، تلاش می‌کند تا ذیل بند دوم (مبارزه با فساد)، یک پالایش سیاسی گسترده به نفع مهره‌های خود انجام دهد.

تله امنیتی و پروژه انحلال خاموش

خطرناک‌ترین بخش این اولتیماتوم، بند پنجم آن است که مستقیماً سازمان عقیدتی-نظامی «حشد الشعبی» را هدف قرار داده است. واشنگتن با وقاحت تمام خواستار خروج حشد الشعبی از زیر نظر فرماندهی کل قوا (نخست‌وزیر) شده است.

انتقال ساختار حشد الشعبی به ذیل وزارت دفاع (که به صورت سنتی ریاست آن در اختیار جریان‌های اهل سنت است) یک تله امنیتی بسیار پیچیده است. هدف از این جابه‌جایی سازمانی، سلب قدرت دفاعی شیعیان، خنثی کردن فتوای تاریخی مرجعیت عالی‌قدر و بوروکراتیزه کردن نیرویی است که بر پایه عقیده و دفاع مردمی شکل گرفته است. حشد الشعبی ضامن اصلی امنیت عراق در برابر تروریسم است و هرگونه تغییر در ساختار و استقلال فرماندهی آن، مساوی با ایجاد خلأ امنیتی و بازگشت قطعی هسته‌های خفته داعش خواهد بود.

تناقض دموکراتیک و استاندارد دوگانه در قبال مستشاران

بندهای چهارم، ششم و هفتم این نامه، پرده از تناقضات مضحک و استانداردهای دوگانه آمریکا برمی‌دارد. واشنگتن در بند ششم دیکته می‌کند که دولت عراق باید «فقط به ملت خودش پاسخگو باشد»، اما در همان حال هفت بند الزام‌آور و مداخله‌جویانه را به بغداد تحمیل می‌کند! این امر به وضوح نشان می‌دهد که منظور آمریکا از «دولت پاسخگو»، دولتی است که در عمل مجری بی‌چون‌وچرای اوامر کاخ سفید باشد. همچنین در واکنش به بند چهارم که خواستار اخراج مستشاران ایرانی شده است، باید به یک اصل بدیهی حقوق بین‌الملل اشاره کرد. حضور مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در عراق، بر اساس درخواست رسمی و کتبی دولت قانونی بغداد و صرفاً برای مبارزه با تروریسم تکفیری صورت گرفته است. این در حالی است که حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق، ماهیتی کاملاً اشغالگرانه دارد و پارلمان رسمی عراق نیز قانون صریح اخراج آنها را تصویب کرده است. آمریکا در مقامی نیست که برای روابط دوجانبه بغداد با همسایگان استراتژیکش تعیین تکلیف کند.

فرجام‌سخن

عراق امروز در یک پیچ تاریخی حساس قرار دارد. نامه محرمانه واشنگتن نشان می‌دهد که ایالات متحده با تصور بازگشت به شرایط سال ۲۰۰۳، پروژه‌ای جامع برای استحاله از درون را کلید زده است. اگر نخبگان عراقی در برابر این دست‌اندازی بی‌سابقه به ارکان قضایی، امنیتی و سیاسی خود مقاومت نکنند و به عقب‌نشینی تن دهند، زنجیره‌ای از مطالبات استعماری آغاز خواهد شد که نتیجه نهایی آن، تبدیل عراق به یک مستعمره بی‌اراده در نظم نوین آمریکایی خواهد بود. زمان آن فرا رسیده است که بغداد با اتکا به پشتوانه مردمی و مرجعیت، یک «نه» تاریخی به اولتیماتوم واشنگتن بگوید.

سخنگوی دولت:

تلاش حاکمیت دور کردن خطر جنگ از کشور

سخنگوی دولت با تاکید بر اینکه بررسی دقیق عوامل حوادث دی ماه در دستور کار قرار دارد و دولت نیز مسئولیت پذیر و پاسخگو، گفت: با تکیه بر عقلانیت و اعتماد جمعی و پذیرش خطاها، ناکارآمدی‌ها و غفلت‌ها، از این بحران نیز به لطف خداوند عبور خواهیم کرد.

به گزارش ایرنا، «فاطمه مهاجرانی» امروز سه‌شنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴ در نشست خبری هفتگی خود با اشاره به گذشت بیش از ۴۰ روز از حوادث تلخ دیماه، اظهار داشت: زخم‌های جامعه از این حوادث همچنان تازه است و این زخم‌ها، زخم‌های خون‌ریزی است. مراسم چهلم از طرف دولت و استانداران در استان‌ها برگزار شد و خانواده‌ها نیز مراسم چهلم را طبق سنت خود برگزار کردند، فراق عزیزان موضوعی نیست که به سادگی فراموش شود.

مهاجرانی افزود: می‌دانیم که رویافروشان و بیگانگان برای کشور ما کاری نخواهند کرد؛ این دو گروه، دو لبه تیغ هستند که ایران را پاره‌پاره، زخمی و ضعیف می‌خواهند. به لطف خداوند و با همت مردم و با تکیه بر دانایی و عقلانیت، از این بزنگاه نیز عبور خواهیم کرد.

سخنگوی دولت تاکید کرد: تلاش دولت و تلاش کل حاکمیت بر دور کردن خطر جنگ از کشور است و مقابله با طرح‌هایی استکه به ظاهر می‌خواهند ایران را توسعه دهند، اما در باطن می‌دانیم که ایران را ضعیف و تجزیه‌شده می‌خواهند. لذا تلاش می‌کنیم فضا را به سمت آرامش سوق دهیم. همه باید این موضوعات را درک کنند؛ عصبانیت داغ و شرایط پرالتهاب جامعه از یک سو، و از سوی دیگر تهدیدهایی که در حد اعلای خود است، تهدیدهایی که جامعه جهانی به حد اعلای خود رسانده و نهادهای حاکمیتی و نخبگان باید به تمام این نکات توجه ویژه داشته باشند.

آمادگی دولت برای شنیدن صدای دانشجویان در دانشگاه

مهاجرانی در ادامه به موضوع دانشگاه و دانشجویان اشاره کرد و افزود: دانشجو عنصر فعال و جوانی است که حق اعتراض دارد اما همه ما باید خطر قرمزها را رعایت کنیم، مقدسات و پرچم دو خط قرمز همه ما هستند که حتی در زمان عصبانیت نباید از آن عدول کنیم.

وی با بیان اینکه مسیر درست، گفت‌وگوی مؤثر و عقلانیت است، نه خشم و پرخاش، افزود: جا دارد از وزرای محترم علوم و بهداشت، همچنین روسای دانشگاه‌ها، اعضای هیات علمی و کادر دانشگاه‌ها که با صبوری به مسیر بازگشایی دانشگاه‌ها کمک می‌کنند، تشکر کنیم. می‌دانیم که مسیر فرهیختگی قسمتی با تحمل و مدارا و قسمتی دیگر با دانایی است. همه ما باید هوشیار باشیم و می‌دانیم که قشردانشجو هم هوشیار است.

سخنگوی دولت افزود: عصبانیت‌ها را درک می‌کنیم، اما باید به سمت گفت‌وگوی مؤثر حرکت کنیم. باور داریم که نه علم بایدتعطیل شود و نه شنیدن صدای معترضان.

وی از آمادگی کامل دولت برای شنیدن صدای دانشجویان در دانشگاه‌ها خبر داد و اضافه کرد: دولت با سعه صدر و روی گشاده در جمع دانشجویان حضور خواهد یافت تا حرف دانشجویان و فرهیختگان را بشنود و پاسخگو باشد.

مهاجرانی بازگشایی دانشگاه‌ها را ضروری دانست و تاکید کرد: تعطیل نشدن چرخه علم، تقاضای اکثریت دانشجویان و خانواده‌هاست؛ و در شرایط فعلی نیز تأکید داریم که وظیفه نهاد دانشگاه، شنیدن صدای دانشجو و دعوت آن‌ها به گفت‌وگو است. هرچند بیشتر کلاس‌های دانشگاه در حال برگزاری است، ولی تعداد کمی از کلاس‌ها نیز به خاطر عدم حضور دانشجویان تشکیل نمی‌شود و این موضوع را به هیچ عنوان انکار نمی‌کنیم.

مغول امروز رژیم صهیونیستی است

سخنگوی دولت با اشاره به فرارسیدن روز مهندس و با تاکید بر اینکه ایران نشان داده در زمان حمله مغول با عقلانیت و دانایی مسیر خردمندی را دنبال کرده است، افزود: مغول امروز رژیم صهیونیستی است و تاریخ نشان می‌دهد که ایران توانسته با تکیه بر دانایی و عقلانیت از دل حمله مغول، در کنار همه خشونت‌ها، رصدخانه مراغه را بنا کند. این دستاورد علمی و تاریخی نمایانگر تفکر بلند ایرانیان است. لذا امروز که به نام روز مهندس نامگذاری شده را تبریک می‌گویم و به فال نیک می‌گیرم.

مهاجرانی ادامه داد: لازم است تأکید کنم که نگاه دولت بر عقلانیت و گفتگو است و باور داریم که هیچ تمدنی بر پایه هیجان ساخته نخواهد شد؛ تمدن‌ها بر پایه عقلانیت شکل می‌گیرند.

تقدیر از برگزار کنندگان جشنواره های فجر/ امروز نیازمند انسجام هستیم

سخنگوی دولت در بخش دیگری از سخنان خود از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دست‌اندرکاران جشنواره‌های فجر تقدیر کرد و گفت: آن‌هایی که به جشنواره آمدند و آنها که نیامدند، همه دغدغه ایران داشتند. ما امروز نیازمند انسجام هستیم و صحبت بی‌نظیر و فوق‌العاده دبیر جشنواره فجر را به خاطر بیاوریم که گفت «ما باید برای ایران فیلم بسازیم، ما برای ایران باید فجر را برگزار کنیم»

مهاجرانی ایجاد فضای تعلیق ذهنی را هدف دشمن در جنگ ترکیبی پیش رو دانست و افزود: باید در کنار به رسمیت شناختن درد و داغ مردم، تلاش کنیم که این فضای ذهنی را بشکنیم.

موضع دولت درخصوص افزایش بیش از یکبار حقوق در سال

سخنگوی دولت در پاسخ به سوال ایرنا مبنی بر برنامه دولت برای افزایش حقوق کارکنان بیش از یک نوبت در سال با توجه به نرخ بالای تورم، گفت: دولت از هرگونه پیشنهادی که تورم‌زا نباشد و بر مبنای منابع پایدار باشد، استقبال می‌کند.

وی اظهار داشت: اگر بنا باشد از یک سو افزایش حقوق را داشته باشیم و از سوی دیگر این امر منجر به اخراج تعدادی از کارگران شود، طبیعی است این با مبنای عدالت همخوانی ندارد.

مهاجرانی ادامه داد: در قانون مجلس و قانون بودجه امسال ردپایی از این موضوع نیست، ولی هم‌زمان اصلاحات ساختاری درمورد ارز و کنترل نقدینگی در حال انجام است و از سوی دیگر تأکید می‌کنم که دولت با هر پیشنهادی که مبتنی بر منابع پایدار و عدم افزایش تورم باشد، حتماً استقبال خواهد کرد.

سخن نخست

افزایش مزد با کدام تورم؟

ادامه از صفحه یک

آنچه برای این خانوار تعیین‌کننده است، تغییر قیمت اقلامی است که بیشترین سهم را در سبد هزینه او دارند؛ یعنی کالاهای مصرفی ضروری، به‌ویژه خوراکی‌ها و مسکن. از همین‌رو، تمرکز بر «تورم نقطه‌به‌نقطه کالا و خوراکی‌ها» نه یک انتخاب سلیقه‌ای، بلکه ضرورتی تحلیلی است.

- چرا تورم نقطه‌به‌نقطه مهم‌تر است؟

تورم عمومی که معمولاً به‌صورت میانگین سالانه اعلام می‌شود، تغییر سطح عمومی قیمت‌ها را در یک سال نسبت به متوسط سال قبل نشان می‌دهد. این شاخص برای تحلیل‌های کلان اقتصادی مفید است، اما دو محدودیت مهم دارد:

نخست آنکه میانگین‌گیری سالانه، نوسانات و جهش‌های قیمتی را هموار می‌کند. در حالی که خانوار کارگری با قیمت‌های جاری بازار زندگی می‌کند، نه با متوسط‌های آماری.

دوم آنکه تورم عمومی، ترکیبی از ده‌ها گروه کالایی و خدماتی با وزن‌های متفاوت است. در این ترکیب، خدماتی وجود دارند که یا سهم کمی در سبد خانوار کارگری دارند یا افزایش قیمت ملایم‌تری را تجربه کرده‌اند. این امر موجب می‌شود نرخ تورم کل، کمتر از فشار واقعی وارد بر اقلام ضروری به نظر برسد.

در مقابل، تورم نقطه‌به‌نقطه، تغییر قیمت یک ماه مشخص نسبت به ماه مشابه سال قبل را نشان می‌دهد. این شاخص، جهش‌های واقعی قیمت را آشکارتر منعکس می‌کند و برای سنجش قدرت خرید در یک مقطع زمانی، گویاتر است. از این رو در محاسبات تورم نقطه به نقطه دی ماه را که اخیرا از سوی بانک مرکزی اعلام شد را ملاک قرار داده‌ایم. لذا هنگامی که از دی ۱۳۹۹ تا دی ۱۴۰۴ سخن می‌گوییم، مقایسه نقطه‌به‌نقطه دی هر سال تصویر دقیق‌تری از آنچه بر سر قیمت‌ها آمده ارائه می‌دهد.

برای خانوار کارگری که بخش بزرگی از درآمدش صرف خرید روزانه کالا می‌شود، این شاخص به واقعیت زندگی نزدیک‌تر است.

- پنج سال؛ انباشت یک شکاف

اگر بازه دی ۱۳۹۹ تا دی ۱۴۰۴ را مبنا قرار دهیم، حداقل مزد طی این پنج سال در مجموع حدود ۵.۴ برابر شده است؛ یعنی افزایشی معادل ۴۴۲ درصد. این رشد حاصل افزایش‌های مصوب سالانه بوده و از نظر اسمی عدد کوچکی نیست.

اما در همین بازه، قیمت کالاهای مصرفی بر اساس تورم نقطه‌به‌نقطه دی هر سال، در مجموع حدود ۱۰.۷ برابر شده است؛ یعنی نزدیک به ۹۶۷ درصد افزایش. به بیان دیگر، قیمت کالاها تقریباً دو برابر سرعت رشد دستمزد افزایش‌یافته‌اند.

در حوزه خوراکی‌ها وضعیت شدیدتر است. شاخص قیمت خوراکی‌ها طی این پنج سال حدود ۱۲.۸ برابر شده است؛ معادل افزایشی بیش از ۱۱۸۰ درصد. در برابر چنین جهشی، رشد ۵.۴ برابری مزد تنها حدود ۴۲ درصد از این افزایش را جبران کرده است.

بنابراین اگر تورم کالا مبنا قرار گیرد، دستمزد تنها حدود ۵۱ درصد آن را پوشش داده و اگر تورم خوراکی‌ها ملاک باشد، این نسبت به حدود ۴۲ درصد کاهش می‌یابد. در این چارچوب است که سخن دکتر نیلی مبنی بر اینکه «رشد دستمزد کمتر از نصف نرخ تورم طی پنج سال بوده» معنای دقیق و عددی پیدا می‌کند.

- چرا کالا و خوراکی‌ها معیار بهتری‌اند؟

ساختار هزینه‌ای خانوارهای کم‌درآمد با میانگین کل جامعه تفاوت دارد. سهم خوراکی‌ها در سبد هزینه این خانوارها به‌مراتب بالاتر است و پس از آن، مسکن و کالاهای اساسی قرار دارند. در مقابل، سهم بسیاری از خدمات در سبد هزینه خانوارهای کارگری - مانند آموزش خصوصی، تفریحات، خدمات مالی، خدمات خصوصی درمانی و حمل و نقل - نسبت به کالا و خوراکی‌ها کمتر است و بنابراین تغییر قیمت کالا و خوراکی‌ها فشار واقعی‌تری بر زندگی روزمره این خانوارها ایجاد می‌کند.

وقتی تورم خوراکی‌ها ۱۲.۸ برابر می‌شود، اثر آن بر زندگی خانوار کارگری بسیار فراتر از اثری است که تورم یک خدمت کم‌مصرف می‌تواند ایجاد کند. حتی اگر تورم عمومی عددی پایین‌تر را نشان دهد، آنچه سفره خانوار را کوچک می‌کند، افزایش قیمت اقلامی است که هر روز خریداری می‌شوند.

از این منظر، استناد به تورم عمومی برای تعیین مزد، می‌تواند به نوعی کم‌برآوردی فشار معیشتی منجر شود. این به معنای بی‌اعتبار بودن تورم کل نیست، بلکه به معنای ناکافی بودن آن برای سیاست مزدی است.

- پیامد انباشت تورم بر قدرت خرید

کاهش قدرت خرید طی پنج سال، پدیده‌ای تدریجی اما عمیق است. اگر دستمزد تنها نیمی از تورم کالا را جبران کرده باشد، معنایش این است که خانوار کارگری امروز نسبت به پنج سال پیش، با همان نسبت درآمد، توان خرید کالاهای اساسی کمتری دارد. در حوزه خوراکی‌ها این کاهش شدیدتر است.

این افت لزوماً به‌صورت ناگهانی در یک سال رخ نمی‌دهد؛ بلکه هر سال فاصله‌ای کوچک ایجاد می‌شود که در پایان دوره، به شکافی بزرگ تبدیل می‌شود. اثر این شکاف، صرفاً کاهش توان خرید نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری داشته باشد، از جمله:

• کاهش سطح رفاه خانوار: خانوارها ناگزیر به کاهش مصرف کالاهای ضروری و خوراکی‌های با کیفیت‌تر می‌شوند.

• تشدید فشار روانی و معیشتی: اضطراب و نگرانی درباره تأمین هزینه‌های روزمره افزایش می‌یابد و این موضوع می‌تواند سلامت روان و زندگی خانوار را تحت تأثیر قرار دهد.

• افزایش ریسک اقتصادی: کاهش قدرت خرید موجب می‌شود خانوارها به وام‌ها یا قرض‌های کوتاه‌مدت متوسل شوند، که در بلندمدت به فشار بدهی و آسیب‌های اقتصادی بیشتر منجر می‌شود.

به همین دلیل، بررسی دقیق تورم نقطه‌به‌نقطه کالا و خوراکی‌ها و مقایسه آن با رشد مزد، نه یک تحلیل آماری خشک، بلکه تصویری واقعی از زندگی خانوارهای کارگری ارائه می‌دهد.

- اکنون چه باید کرد؟

در شرایطی که مذاکرات مزدی در شورای عالی کار در جریان است، پرسش کلیدی این است: آیا سیاست مزدی قرار است تنها تورم سال جاری را جبران کند، یا شکاف انباشته پنج‌ساله را نیز در نظر بگیرد؟

اگر معیار، صرفاً تورم عمومی سالانه باشد، ممکن است افزایش مزد به‌ظاهر منطقی به نظر برسد، اما عقب‌ماندگی گذشته پابرجا خواهد ماند. تجربه پنج سال گذشته نشان می‌دهد که‌عدم توجه به تورم واقعی کالا و خوراکی‌ها، باعث کاهش تدریجی قدرت خرید و فشار بر خانوارهای کارگری شده است.

از سوی دیگر، اگر معیار، تورم نقطه‌به‌نقطه کالا و خوراکی‌ها باشد - یعنی همان بخش‌هایی که بیشترین وزن را در سبد معیشت کارگری دارند - آنگاه تصویر متفاوتی از ضرورت ترمیم قدرت خرید شکل می‌گیرد. سیاست مزدی باید به گونه‌ای طراحی شود که:

• جبران عقب‌ماندگی انباشته پنج‌ساله انجام شود، نه صرفاً پوشش تورم سالانه.

قدرت خرید واقعی خانوارهای کم‌درآمد حفظ شود تا فشار اقتصادی بر آن‌ها کاهش یابد.

• پایداری اجتماعی و اقتصادی تضمین شود، زیرا کاهش مستمر قدرت خرید می‌تواند منجر به نارضایتی و بی‌ثباتی اقتصادی شود.

به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری در مورد مزد صرفاً یک مسئله عددی نیست، بلکه موضوعی حیاتی برای معیشت روزمره میلیون‌ها خانوار کارگری و پایداری اقتصادی کشور است.